



درس فراه فقہ استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ آذر ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۱۸ ربیع الاول ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مسئله نوزدهم - بررسی شرطیت عدم وجود مال آخر در استثناء مؤونه - بررسی قول چهارم

جلسه: ۳۶

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین واللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد در مورد شرطیت عدم وجود مال آخر در استثناء مؤونه، چند قول وجود دارد. قول چهارم تفصیلی است که بعضی الاعلام در این رابطه ذکر کرده‌اند. ایشان ابتدا شش صورت در مسأله تصویر کرده‌اند و در پنج صورت قائل به عدم شرطیت وجود مال آخر شده‌اند (یعنی قائل به جواز صرف مؤونه از ربح به تنهایی شده) و در یک صورت قائل به اشتراط عدم وجود مال آخر، (یعنی قائل به عدم جواز صرف مؤونه از ربح به تنهایی شده) شده‌اند.

بررسی قول چهارم

در بررسی این قول باید گفت آنچه ایشان در تقسیم مال آخر به اقسام مختلف گفته‌اند، مطلب خوبی است. ریشه این مطلب، هم مطالبی است که بعضی از اصحاب از جمله محقق همدانی در این مقام گفته‌اند.

اما همانطور که ملاحظه شد، امام (ره) در صدر مسأله نوزدهم، مطلب را به نحو مطلق متعرض شده‌اند. با این عبارت که «ولو كان عنده مال آخر لا یجب فیہ الخمس...» فالاقوی می‌تواند مؤونه را از ربح صرف کند.

مرحوم سید هم تقریباً در صدر مسأله ۶۴ به همین نحو فرموده‌اند لکن ایشان در ذیل مسأله ۶۴ عبارتی دارند که به این نحو در متن تحریر نیامده و امام (ره) هم ذیل این عبارت عروه هیچ حاشیه ای ندارند.

مرحوم سید در مسأله ۶۴ فرموده: «و لو كان عنده عبد أو جاریة أو دار أو نحو ذلك مما لو لم یكن عنده كان من المؤونة لا یجوز احتساب قیمتها من المؤونة و أخذ مقدارها بل یكون حاله حال من لم یحتج إليها أصلاً»^۱ مرحوم سید در ذیل این مسأله بعد از فتوا به جواز صرف مؤونه از محل ربح، با وجود مال آخر، فرموده اگر شخصی یک عبد یا کنیز، یا خانه و یا امثال ذلك [از چیزهایی که اگر نداشته باشد باید از محل ربح برای آنها به عنوان مؤونه صرف کند] داشته باشد. چون اینها از چیزهایی می‌باشد که مورد نیاز است [البته مشروط به تطابق با شأن] لذا اگر شخص بخواهد از محل ربح مصرف کند، به عنوان مؤونه پذیرفته می‌شود و اگر اینها را نداشته باشد و بخواهد تهیه کند، کان من المؤونه.

مرحوم سید در این موارد می‌فرماید: «لا یجوز احتساب قیمتها من المؤونة»: اگر کسی عبد و خانه و جاریه و مرکب و ... داشته باشد، نمی‌تواند قیمت اینها را از محل مؤونه حساب کند. مثلاً نمی‌تواند بگوید من اگر می‌خواستم اینها را بخرم چقدر باید پول پرداخت می‌کردم و الان که اینها در زندگی من هست و نیازی به خرید ندارم، معادل قیمت آنها را به عنوان

^۱ عروة الوثقی، ج ۲، ص ۳۹۵، مسأله ۶۴.

مؤونه از ربح کسر و استثناء می‌کنم. چون این شخص مثل کسی است که اساساً احتیاجی به اینها ندارد. به تعبیر دیگر ملاک استثناء مؤونه در این مورد وجود ندارد. اما اگر اینها را نداشت، به خاطر احتیاج می‌توانست قیمت این موارد را از ربح استثناء کند و این مقدار را متعلق خمس قرار ندهد؛ ولی وقتی اینها را دارد و نیاز ندارد به اینکه اینها را بخرد، دیگر وجهی برای احتساب قیمت آنها از محل مؤونه نیست.

هدف از ذکر این مطالب این است که نسبت قول چهارم با آنچه که مرحوم سید در عروه فرموده و آنچه که امام (ره) در متن تحریر فرموده‌اند، روشن شود و البته در پایان بحث هم عرض خواهد شد که نظر امام (ره) در این مسأله و نظر مرحوم سید چیست و چه تفاوتی با قول چهارم دارند.

و کیف کان در قول چهارم، شش صورت ذکر شده که ذکر این شش صورت به عنوان صور محتمل و مفروضی که در این مسأله قابل تصور است، نیکو و حسن است. لکن ایشان در پنج صورت، حکم به جواز احتساب مؤونه از ربح کرده و فقط در یک صورت قائل به عدم جواز شده است. اما سه صورت از پنج صورتی که ایشان قائل به جواز احتساب مؤونه از ربح شده، عبارتند از:

دلیل جواز در سه صورت اول

۱. صورت اول جایی است که مال آخر از چیزهایی باشد که شخص برای تجارت و شغلش نیاز به آنها دارد. مثلاً مالی دارد ولی این مال، سرمایه اوست و می‌خواهد با آن کسب و کار کند و معمولاً از سرمایه و رأس المال به عنوان مؤونه استفاده نمی‌شود.

۲. صورت دوم جایی است که مال آخر از قبیل رأس المال نیست، یا از چیزهایی که یحتاج الیه فی بقائه نیست؛ اما معمولاً آنها را در مؤونه مورد استفاده قرار نمی‌دهند. مثلاً شخصی مبلغی زائد بر رأس المال دارد یا زمینی خریداری کرده و خمس آن را هم پرداخت کرده و از محل مال مخمس خریده است؛ در اینجا معمول نیست که از زمین برای مؤونه استفاده کنند.

۳. صورت سوم جایی است که مال آخر از چیزهایی باشد که «جرت العادة بصرفه فیها». معمولاً متعارف این است که از این اموال در مؤونه استفاده می‌کنند. مثل قوتی (گندم، برنج و حبوبات) که از سال گذشته زیاد آمده و خمس آن هم داده شده است؛ معمولاً از این اضافات برای مؤونه سال بعد استفاده می‌کنند. این مثال برای اموری است که تلف می‌شود. اما چیزهایی که تلف نمی‌شود مثل لباس یا خانه‌ای که به ارث می‌رسد، منتهی فرق این مورد با فاضل الاقوات این است که فاضل الاقوات بعد از مصرف تلف می‌شود ولی لباس و خانه تلف نمی‌شوند و عین آنها باقی می‌ماند.

در این سه صورت ایشان فرمودند که اگر کسی اموالی از این قبیل داشته باشد، قبل از آن که تصرف در این اموال کند، می‌تواند از محل ربح، این مؤونه‌ها را صرف کند. یعنی می‌تواند قبل از مصرف، با وجود این اموال [چه از قبیل رأس المال و چه از قبیل غیر رأس المال و چه از قبیل فاضل الاقوات و الدار و الثیاب] دست به آنها نزنند و از محل ربح برای مؤونه صرف کنند. ایشان در این باره فرمودند اشکالی ندارد. به نظر ما نیز مطلب همین طور است و مما لا اشکال فیه. دلیلش هم همانگونه که سابقاً عرض شد، اطلاق ادله استثناء است. مقتضای اطلاق الخمس بعد المؤونه این است که انسان مؤونه را از محل ربح تأمین کند؛ اعم از اینکه واجد مثل آن باشد یا نباشد. اشکالاتی هم که به این دلیل وارد شده بود، همه پاسخ داده

شد؛ از جمله اینکه مثلاً مؤونه در دلش معنای احتیاج خوابیده، یا اینکه ادله استثناء منصرف به مواردی است که شخص نیاز دارد و لذا این سه صورت به نظر ما مشکلی ندارند.

دلیل جواز در صورت دیگر

۱. صورت اول جایی است که مال آخر از اموالی باشد که یحتاج الی بقائه فی تجارتہ. یعنی مال آخر، رأس المال باشد.
۲. صورت دوم جایی است که مال آخر از اموالی باشد که مثل رأس المال نیست ولی عادتاً از آنها در مؤونه مصرف نمی‌شود الا عند الضرورة. مثل شخصی که زمینی دارد.

اگر فرض شود مثلاً شخصی زمینی داشته و فروخته و صرف در مؤونه کرده است یا اساساً ناچار شده از سرمایه‌اش برای مؤونه استفاده کند. در حال حاضر که سود بدست او آمد، می‌تواند آنچه را که خرج کرده، از محل سود جبران کند. یعنی معادل قیمت رأس المال و معادل قیمت مالی که زائد بر رأس المال بوده، از محل ربح آنچه را که در مؤونه صرف کرده، جایگزین و جبران کند. پس در این صورت هم حکم به جواز جبران داده‌اند زیرا اینجا بحث جبران است.

پس در صورت اول [یعنی سه صورت ابتدایی که قبل از مصرف است] می‌خواهیم ببینیم این اموال ربح هم دارد آیا می‌تواند دست به این اموال نزند و از سود سالانه‌اش برای مؤونه مصرف کند؟ فرمودند بله و در هر سه صورت می‌تواند در صورت دوم [یعنی دو مورد اخیر که بعد از مصرف است] بحث در این است که هنوز ربح بدست او نرسیده و فقط سرمایه و رأس المال دارد و ناچار می‌شود که آنها را در مؤونه مصرف کند ولی بعد که سود نصیب او شد، آیا می‌تواند از محل ربح سنه، آنچه که از این اموال صرف مؤونه کرده جبران کند؟

دلیل بر جواز جبران این است که مسأله جواز صرف ربح در مؤونه، به اقتضای ادله استثناء ثابت شده است و این متوقف بر تصرف در عین ربح نیست. هر شخصی درآمدی دارد که بخشی از این درآمد را مطابق شأن می‌تواند صرف زندگی کند و این مقدار از خمس معاف است. حال مقصود از این ادله که مؤونه را استثناء کرده‌اند، این نیست که فقط از عین ربح و سود باید استفاده کنید بلکه می‌خواهد بگوید مؤونه از سود استثناء شده است و فرق نمی‌کند که شما این پول را ابتدا از محل دیگری تهیه کنید و سپس از محل سود به جای آن قرار دهید یا اینکه از ابتدا از محل ربح مصرف کنید. چنانچه خود قائل هم در مورد این دو صورت فرمودند [که در جلسه قبل هم بیان شد]. اساساً بناء عملی مردم بر تخلیط اموالشان است؛ اینطور نیست که اموال را از یکدیگر جدا کنند و بگویند این رأس المال است و این سود است بلکه سود و رأس المال مخلوط است. حتی اگر زائد بر رأس المال هم باشد باز با یکدیگر مخلوط است. پس به طور کلی از این اموال مخلوط در زندگی صرف می‌کنند و آخر سال مجموع این اموال را محاسبه می‌کنند، آن مقداری که هزینه کرده‌اند استثناء می‌کنند و اگر زائد آمد، خمس فاضل عن مؤونه السنه را پرداخت می‌کنند.

اینطور نیست که همیشه در ابتدا سودی داشته باشند تا بتوانند از آن سود استفاده کنند. مثلاً در حساب بانکی اشخاص مقداری پول هست که بخشی از آن رأس المال است و بخشی دیگر سود است. این اشخاص با این مال مخلوط از رأس المال و سود، زندگی را می‌گذارند و در آخر سال محاسبه می‌کنند. در حقیقت جبران و احتساب مؤونه از محل ربح در مقابل آنچه که از اموال آخر صرف شده، یعد مؤونه.

بنابراین حکم به جواز جبران و احتساب من المؤونة بعد الصرف در این دو صورت، به نظر ما قابل قبول است و دلیل آن هم بیان شد.

صورت ششم

صورت ششم این است که شخصی مال دیگری داشته باشد ولی آن مال مما یصرف فی المؤونة عادتاً. مثل فواضل الاقوات و اطعمه‌ای که از سال گذشته باقی مانده و مثل لباس و دار که از سال گذشته باقی مانده است. مثلاً شخصی از سال گذشته برنج اضافه دارد و هنوز هم ریح سال جدید به دست او نرسیده است تا مؤونه را از محل ریح مصرف کند. اگر از این برنج برای تأمین غذا استفاده کند، آیا می‌تواند بعد از آن که سود بدست او رسید، معادل قیمت این برنج را از محل سود کسر کند و از دائره شمول خمس خارج کند یا نمی‌تواند؟

این مسأله، مسأله مهمی است و باید دید عبارت امام (ره)، مرحوم سید و عبارت بزرگان در این مسأله چیست؛ پس موضوع بحث این است که کسی اموالی دارد که از نوع اموالی است که یصرف عادتاً فی المؤونة. این اموال خودشان دو دسته هستند. یک دسته اموالی هستند که با مصرف تلف می‌شوند مثل غذا و غلات و برنج و گندم و میوه‌ها و هر چه که خوردنی است؛ شخصی سال گذشته اینها را مصرف کرده و خمس مازاد را هم داده اما مع ذلک باز هم اضافه آورده است. این موارد با مصرف از بین می‌روند ولی گاهی اوقات این مال از اموالی است که با مصرف تلف نمی‌شود بلکه عین آنها باقی است؛ مثلاً لباس‌هایی دارد که این لباس‌ها مازاد هستند، به این معنا که ارث به او رسیده است. طبق نظر مشهور مال موروثه هم خمس ندارد. یا مثلاً خانه‌ای به او ارث رسیده که طبق نظر مشهور خمس ندارد. این موارد با مصرف هم تلف نمی‌شوند. فرض کنید این اموال در اختیار شخصی است؛ سال جدید که شروع می‌شود از این اموال صرف می‌کند. مثلاً در منزل سکونت می‌کند و از لباس استفاده می‌کند و اطعمه و غلات را مصرف می‌کند؛ حال آیا این شخص می‌تواند بعداً معادل قیمت این اموال را از محل ریح جبران کند یا خیر؟

همانطور که ملاحظه شد، این قائل در اینجا فرمود: «و الجبران مشکل و الاحوط عدم الجبران». اینجا جایی برای جبران نیست. یعنی اگر چیزی داشته باشد و مصرف هم کرده باشد، بعداً که سود بدست او رسید، نمی‌تواند معادل قیمت چیزهایی را که صرف کرده از آن کسر کند.

حمل عبارت سید و صاحب جواهر و شیخ بر صورت ششم

ایشان سپس عبارت مرحوم سید و شیخ انصاری و صاحب جواهر را هم حمل بر این صورت کرده است. گفته و اگر می‌بینید مرحوم سید در آخر کلام خود این عبارت را دارد، مقصود ایشان صورت بعد از صرف است.

عبارت سید این بود: «و لو كان عنده عبد أو جارية أو دار أو نحو ذلك مما لو لم يكن عنده كان من المؤونة»؛ ظاهر این است که این صورتی که مرحوم سید فتوا به عدم جبران داده است، همین صورت ششم است. «و الظاهر ان مراد المصنف أيضا صورة عدم صرف الریح و ارادة الجبران». آنجایی که از ریح صرف کرده بلکه من مال آخر صرف کرده و حالا می‌خواهد جبران کند.^۱

^۱. کتاب الخمس، منتظری، ص ۲۰۳.

ایشان در مورد صاحب جواهر و مرحوم شیخ هم همین مطلب را ذکر کرده است و می‌گوید: «کما ان مراد صاحب الجواهر و الشيخ المتعرضين للمسألة أيضا هذه الصورة»؛ چنانچه مراد صاحب جواهر و مرحوم شیخ که متعرض این مسأله شده‌اند، ایضاً همین صورت [صورت عدم صرف الربح و ارادة الجبران] است. یعنی در حقیقت می‌خواهد بگوید درست است که در عبارت مرحوم سید و مرحوم شیخ و صاحب جواهر این صور به این شکل ذکر نشده، ولی آنها هم که حکم به عدم جبران و عدم جواز احتساب کرده‌اند، نظر به همین صورت ششم دارند که گفته شد.

پس در واقع این قائل، دو مطلب در اینجا فرموده است.

۱. در صورت وجود مال آخر، از اموالی که یصرف عادتاً فی المؤونة، چنانچه از این مال صرف کند، بعداً نمی‌تواند از محل ربح، آن را جبران کند.

۲. ایشان عبارت‌های مرحوم سید در عروه، مرحوم شیخ اعظم در رساله خمس، مرحوم صاحب جواهر را حمل بر همین کرده است.

حال هر دو ادعای ایشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. یعنی اولاً: باید دید آیا اساساً ظاهر عبارت سید و مرحوم شیخ و صاحب جواهر، حمله‌ای که ایشان کرده را تحمل می‌کند یا خیر. ثانیاً: درباره اصل ادعا باید دید که آیا بالاخره در اینجا حکم به جبران می‌شود یا خیر.

بحث جلسه آینده: بحث و بررسی این سه عبارت [یعنی عبارت سید و شیخ و صاحب جواهر] و اینکه باید دید این حمل بعضی الاعلام که عبارات این بزرگان را حمل بر این صورت کرده‌اند، درست است یا خیر. بعد هم اصل احتیاط واجب در جبران و اینکه احوط این است که جبران نمی‌شود. مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از آن باید دید نظر امام (ره) در اینجا چیست.

«الحمد لله رب العالمین»